

استقصاء أدلة تحريم التدخين في المذاهب الفقهية، مقارنة مع الفقه

الاجتماعي والسياسي

عطية سادات عبودتيان هرندي^١، رضا إسفندياري (إسلامي)^٢

أحمد رهدار^٣، علي فارسي مدان^٤

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٣/٠٦/٠٧؛ تاريخ القبول: ١٤٠٣/١١/٢٤ هـ ش]

الملخص

يعتبر التدخين من ظواهر انحطاط الأشخاص والمجتمعات ودمارهما، ويؤدي إلى أضرار كثيرة للإنسان والمجتمع. يهدف هذا البحث متّخذاً المنهج الوصفي-التحليلي، إلى الإجابة على السؤال الهامّ التالي: ما هي أدلة تحريم التدخين في المذاهب الفقهية؟ يسعى الباحثون لاستقصاء الآراء في المذاهب الفقهية من منظوري الفقه الاجتماعي والسياسي. فأدلة التحريم في الفقه الاجتماعي هي الاحتراز عن الأفعال المرفوضة، وتحريم زوال العقل، وقاعدة لا ضرر، وقاعدة تحريم مقدّمة الحرام، وحظر أكل مال الغير بالباطل، وتحريم استخدام السمّ، والأضرار الشخصية والاجتماعية. ويستنتج تحريم استخدام المخدّرات والتدخين في الفقه السياسي من عدّة قواعد، منها: الإعانة على الإثم والعدوان، وحفظ النظام الإسلامي، واختلال نظام المعاش، ونفي السبيل، ووجوب الحفاظ على النظام في مواجهة الكفّار والمعتدين، والإفساد في الأرض. يشترك الاتجاهان الاجتماعي والسياسي في الإضرار والإفساد. وهذه الأضرار تؤدي إلى مشاكل خطيرة للشخص، والمجتمع، والأسرة، والحكومة الإسلامية.

الكلمات المفتاحية: تحريم التدخين، المذاهب الفقهية، الفقه الاجتماعي، الفقه السياسي.

١. طالبة دكتوراه، اختصاص الدراسات المقارنة للمذاهب الفقهية، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران (الكاتبة

المسؤولة) a.oboudiyat@chmail.ir

٢. أستاذ مشارك، معهد مكتب الإعلام الإسلامي في الحوزة العلمية بقم للبحوث، قم، إيران r.esfandiari@isca.ac.ir

٣. أستاذ مساعد، قسم الفقه المضاف، جامعة باقر العلوم (ع)، قم، إيران rahdar@bou.ac.ir

٤. أستاذ مساعد، قسم القانون والفقه المقارن، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران a.farsi@urd.ac.ir

بررسی ادله حرمت تدخین از منظر مذاهب فقهی با رویکرد فقه اجتماعی و سیاسی

عطیه السادات عبودتیان هرنیدی^۱، رضا اسفندیاری (اسلامی)^۲

احمد رهدار^۳، علی فارسی مدان^۴

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴]

چکیده

تدخین یکی از مظاهر انحطاط و تخریب افراد و اجتماع است و موجب آسیب‌های فراوان به انسان و جامعه می‌شود. این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی، درصدد پاسخ به این سؤال اساسی است که ادله حرمت تدخین از منظر مذاهب فقهی چیست. نگارندگان در این مقاله بر آن هستند تا دیدگاه‌های موجود در مذاهب فقهی را از دو منظر فقه اجتماعی و فقه سیاسی مورد بررسی قرار دهند. در رویکرد فقه اجتماعی، ادله حرمت تدخین شامل موارد زیر است: «پرهیز از اعمال ناپسند؛ حرمت زوال عقل؛ قاعده لاضرر؛ قاعده حرمت مقدمه حرام؛ ممنوعیت خوردن مال دیگری به باطل؛ استعمال سم و اضرار شخصی و اجتماعی». در رویکرد فقه سیاسی، ادله حرمت استعمال مواد مخدر و تدخین از قواعدی همچون «اعانت بر اثم و عدوان؛ حفظ نظام اسلامی؛ اختلال نظام معیشتی؛ نفی سبیل؛ وجوب محافظت از نظام در برابر تعرض کفار و متعرضین؛ افساد فی الارض» استنتاج می‌شود. وجوه اشتراک میان دو رویکرد فقه سیاسی و فقه اجتماعی، اضرار و فساد است. این آسیب‌ها برای فرد، جامعه، خانواده و حکومت اسلامی مشکلات جدی ایجاد می‌کند.

واژگان کلیدی: حرمت تدخین، مذاهب فقهی، فقه اجتماعی، فقه سیاسی

۱. دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) a.oboudiyat@chmail.ir

۲. دانشیار پژوهشگاه دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، قم، ایران r.esfandiari@isca.ac.ir

۳. استادیار گروه فقه مضاف، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران rahdar@bou.ac.ir

۴. استادیار گروه حقوق و فقه مقارن، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران a.farsi@urd.ac.ir

۱. مقدمه

تدخین یکی از موضوعات مهم اجتماعی است که از گذشته وجود داشته؛ اما در عصر حاضر با ظهور مواد تدخینی صنعتی شتاب گرفته و پیامدها و آثار جدیدی یافته است؛ به گونه ای که می توان گفت ماهیت تدخین در دوره نوین تغییر کرده است. برای دستیابی به حکم شرعی آن، لازم است حکم فقهی تدخین با بهره گیری از قواعد کلی فقهی و عناوین ثانوی یا اصول عملی بازشناسی شود. براساس اصل اباحه، تا زمانی که دلیلی بر حرمت یا حلیت امری وجود نداشته باشد، آن امر مجاز و حلال محسوب می شود. بنابراین، در زمینه تدخین، اصل اولی «اباحه» است مگر آنکه دلیل شرعی بر حرمت آن موجود باشد.

در این مقاله، دلایل حرمت تدخین از دیدگاه فقه اجتماعی و سیاسی بررسی و تبیین می شود؛ به طوری که این دلایل دلالت بر حرمت تدخین و درآمد حاصل از آن دارند. نوشتار حاضر درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی به پرسش های زیر پاسخ دهد: دیدگاه مذاهب فقهی نسبت به مسئله تدخین چیست؟ ادله فقه اجتماعی بر حرمت تدخین کدام اند؟ ادله فقه سیاسی بر حرمت تدخین کدام اند؟ یافته های پژوهش نشان می دهند که با توجه به ادله قرآنی و روایی و نیز قواعد فقهی، حرمت تدخین قابل استنتاج است. این پژوهش با روش تحلیلی و توصیفی و با مطالعه منابع معتبر و دست اول فقهی، روایی و قرآنی، حکم تدخین و خرید و فروش مواد مخدر را مورد بررسی قرار خواهد داد.

این مقاله با دورویکرد فقه اجتماعی و فقه سیاسی به موضوع حرمت تدخین می پردازد. منظور از رویکرد اجتماعی، نگاهی است که به تأثیرات تدخین بر اجتماع، جامعه و خانواده می نگرد. به بیان دیگر، این رویکرد به آسیب های اجتماعی مانند اختلالات خانوادگی، حاشیه نشینی، طلاق و دیگر بحران های اجتماعی می پردازد که ناشی از تدخین، مصرف دخانیات و مواد مخدر است. به عبارت دیگر، تدخین و مواد مخدر این نوع آسیب ها را

برای فرد، خانواده و جامعه به همراه می‌آورد و این مقاله برخی از این موارد را بررسی خواهد کرد. منظور از رویکرد فقه سیاسی، رویکردی است که بررسی می‌کند چگونه تدخین و مواد مخدر می‌توانند به حوزه سیاسی و نظام اسلامی آسیب وارد کنند.

در پیشینه این تحقیق، برخی پژوهشگران به جنبه‌هایی از موضوع تدخین و مواد مخدر پرداخته‌اند؛ از جمله می‌توان به دو مقاله زیر اشاره کرد: «مطالعه تطبیقی تدخین در فقه امامیه و اباضیه: بررسی دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی و علامه احمد بن حمد خلیلی»، اثر رضا اسلامی و ابراهیم قاسمی؛ و نیز «مواد مخدر و دخانیات از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی»، اثر روح الله روح اللهی. مقاله حاضر از این جهت با پژوهش‌های پیشین متمایز است که باتتبع گسترده در مذاهب فقهی، موضوع را از دو منظر فقه سیاسی و فقه اجتماعی بررسی کرده و در هر رویکرد به ادله متفاوت آن توجه نموده است. در نتیجه، وجوه اشتراک و افتراق میان دو رویکرد فقه سیاسی و فقه اجتماعی نیز مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. تدخین

تدخین از مصدر «دَخَنَ» گرفته شده و به معنای سیگار یا قلیان کشیدن و استنشاق دود آن است (بستانی، ۱۳۷۵: ص ۳۸۷). همچنین این واژه به معنای سست کردن، بی‌حس کردن یا کرخ کردن نیز آمده و در اصطلاح پزشکی به معنای کاهش غیراختصاصی و قابل برگشت فعالیت دستگاه عصبی مرکزی بر اثر مواد مخدر و داروهای افیونی است (احمدوند، ۱۳۷۸: ص ۳۶). تدخین عملی است که طی آن ماده‌ای، معمولاً تنباکو، سوزانده و دود آن استنشاق می‌شود. این عمل در گذشته بیشتر به عنوان تفریح یا ورزش

انجام می‌شد و از سوختن مواد، مواد فعال مانند نیکوتین آزاد می‌شد که از طریق ریه جذب می‌گردید (شهبازی، ۱۳۸۰: ص ۳۴). گاهی تدخین به عنوان بخشی از برخی مراسم مذهبی برای رسیدن به روشننگری معنوی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت.

۲-۲. تخدیر

تخدیر در لغت به معنای سست کردن و بی‌حس کردن (بستانی، ۱۳۷۵: ۲۱۶) آمده است. به عبارت دیگر، تخدیر به معنای بیهوش کردن موقتی جسم بیمار یا بخشی از بدن با داروهای بیهوش‌کننده است. در اصطلاح پزشکی، تخدیر به معنای کاهش غیراختصاصی و قابل بازگشت عملکرد دستگاه عصبی مرکزی بر اثر مواد مخدر و داروهای افیونی است (احمدوند، ۱۳۷۸: ص ۳۶). به بیان دیگر، مواد مخدر ترکیبات طبیعی یا شیمیایی هستند که با مصرف آن‌ها، سطح هوشیاری و عملکرد مغز تغییر می‌کند. واضح است که ترکیبات مذکور دارای تأثیرات متفاوتی هستند (مهربان، ۱۳۸۸: ص ۲۱). سازمان بهداشت جهانی ماده مخدر را چنین تعریف می‌کند: «ماده‌ای است که پس از ورود به بدن، بر یک یا چند عملکرد از عملکردهای فیزیولوژیک اثر می‌گذارد». براساس این تعریف، مصرف‌کنندگان مواد مخدر به صورت غیرعادی عمل می‌کنند و ممکن است منحرف شناخته شوند. این تعریف شامل مخدرهایی مانند توتون و مشروبات الکلی و همچنین مخدرهای صنعتی غیرقانونی مانند هروئین^۱ و ال.اس.دی^۲ می‌شود.

به لحاظ آسیب‌شناسی، هر دارویی که پس از مصرف موجب تغییراتی در انسان شود که از نظر جامعه قابل پذیرش نباشد و باعث واکنش یا حساسیت اجتماعی گردد، مخدر شناخته می‌شود. فردی که چنین دارویی را مصرف کند، معتاد محسوب می‌شود.

۳. تدخین از منظر مذاهب فقهی

استعمال مواد مخدر و تدخین در گذشته، مانند امروز، با مسائل پیچیده و گسترده‌ای همراه نبوده است. موضوعاتی چون تدخین، تدخیر و حتی قاقاق مواد مخدر به شیوه کنونی مطرح نبوده‌اند؛ با این حال، از مواد مخدر عمدتاً در راستای درمان استفاده می‌شده است. فقهای قدیم به آثار سوء جسمی و روانی این مواد، از جمله نقصان جسم، زوال عقل و حواس، توجه داشته و حکم به حرمت آن داده‌اند. در منابع روایی نیز تعابیری به مضمون مواد مخدر در کلمات ائمه معصومین علیهم‌السلام آمده است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۵، ص ۲۲۷؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۲۸۸؛ صدوق، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۵۸۹). همچنین، تعابیر مختلفی از مواد مخدر در میان فقهای گذشته ثبت شده است که عبارت‌اند از: بنج (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۴۸۰؛ شهید اول، ۱۴۱۰: ص ۲۶۳؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۵۵۴؛ ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳: ص ۴۱۹؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ص ۸۰۵)، افیون (فیض کاشانی، ۱۴۲۹: ص ۱۱۱) و مخدر (نمازی اصفهانی، ۱۴۱۰: ص ۶۶؛ کشمیری، ۱۴۱۸: ص ۳۶).

از زمان سید ابوالحسن اصفهانی تاکنون، فتوای متعده‌ای درباره استعمال مواد مخدر از سوی مراجع و مجتهدان به صراحت صادر شده است (نجفی، ۱۴۰۰: ج ۴۱، ص ۴۴۹؛ گلپایگانی، بی تا: ج ۱۰، ص ۳۰۳؛ اصفهانی، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۴۵۷).

در متون قدما، فقها به حرمت تدخین اشاره‌هایی داشته‌اند؛ با این حال، ضروری است ذکر شود که فقها در مبنای حرمت دخانیات دچار اختلاف نظر بوده‌اند. برخی این مسئله را یک موضوع مستقل مطرح کرده و حکم به حرمت آن داده‌اند (گلپایگانی، بی تا: ج ۱۰، ص ۳۰۳؛ نجفی، ۱۴۰۰: ج ۴۲، ص ۱۸۲؛ حلی، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۶۰۱). گروهی دیگر آن را به مسکرات الحاق کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۰: ج ۴۲، ص ۱۸۲؛ خویی، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۱۹۱؛ حلی،

۱۳۸۷: ج ۴، ص ۶۰۱). همچنین، عده‌ای تدخین را از مصادیق سموم دانسته‌اند که فاقد فایده عقلایی بوده و حکم به حرمت آن داده‌اند. دسته‌ای دیگر نیز آن را در زمره مفتر شمرده و بر حرمت آن تأکید کرده‌اند (طریحی، ۱۳۶۲: ج ۳: ص ۸۵، ۳۵۷).

در فقه اهل سنت، علما نیز با استعمال و خرید و فروش مواد مخدر مخالف‌اند و آن را از جمله مسکرات و حرام می‌دانند. می‌توان به فقهای مالکی (شنقیطی، بی‌تا: ص ۲۳۶؛ خرشی، بی‌تا: ص ۱۳۷)، شافعی (هیتمی، ۱۳۵۷: ص ۴۲۲؛ نووی، بی‌تا: ص ۲۰۱؛ باعلوی، بی‌تا: ص ۱۱۱)، فقهای حنبلی (ابوداود الأزدی، بی‌تا: ص ۵۵۲۹؛ البانی، بی‌تا: ص ۱۵؛ شحود، ح ۳۳۹؛ صنعانی، ۱۳۷۹: ص ۱۳۶؛ نجمی، بی‌تا: ص ۵۱۸؛ عثیمین، بی‌تا: ص ۲۵۴؛ عظیم‌آبادی، بی‌تا: ص ۸۱۸) و حنبلی (ابن قدامه، بی‌تا: ص ۴۲۴؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵: ص ۴۷۷-۴۷۸؛ فوزان، ۱۴۲۳: ص ۲۵۴۱؛ ابن جبرین، بی‌تا: ص ۶۴، ۷۳؛ شنقیطی، بی‌تا: ص ۲۷؛ سحیم، بی‌تا: ص ۱۷۹) اشاره کرد.

۴. حرمت تدخین با رویکرد فقه اجتماعی و فقه سیاسی

۴-۱. بررسی ادله اجتماعی حرمت استعمال مواد مخدر

۴-۱-۱. پرهیز از اعمال ناپسند

با توجه به روح دعوت اسلامی که ثبات و تقویت عقل را پایه رشد و ترقی انسان و جامعه می‌داند، هرگونه عملی که موجب آسیب رساندن به این گوهر نایاب شود، عملی شیطانی، ناپسند و ممنوع شمرده شده است. اسلام، نارضایتی خود را از گرایش به چنین رفتارهایی اعلام کرده و در قرآن کریم می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره: ۲۱۹). در این آیه، واژه «خمر» به معنای ماده

مست‌کننده به کار رفته است که مفهوم آن «پوشاننده» است (زجا، ۱۴۰۸: ص ۱۲۹)؛ زیرا تمامی مواد مست‌کننده موجب زوال عقل و مانع تشخیص درست از نادرست می‌شوند. از سوی دیگر، مصرف این مواد موجب می‌شود که ادراک و تشخیص انسان از او سلب شود (المنسوب للامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ص ۲۸۲). واژه «إثم» معنایی نزدیک به «ذنب» و «گناه» دارد و حالتی است که انسان را از خیرات محروم کرده و شقاوت به دنبال می‌آورد. وقتی این حالت در عقل و روح انسان پدید آید، او را از دستیابی به هدف اصلی آفرینش، یعنی کمالات انسانی، باز می‌دارد و آسیب‌های فراوانی به جسم و جان او وارد می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۷۴). در این آیه تصریح شده است که آشامیدن خمر، «إثم» است؛ بنابراین، خمر که از مصادیق إثم به شمار می‌آید، حرام محسوب می‌شود. از این رو، خمر و مواد مخدر هر دو در زمره إثم قرار دارند و به تبع آن، مصرف آن‌ها حرام است. برخی مواد مخدر مانند هروئین، آثار سوء و زیان‌های جسمی و روحی به مراتب شدیدتری نسبت به مشروبات الکلی دارند؛ بنابراین، حرمت استعمال این مواد که تهدیدی جدی برای انسان به شمار می‌رود، مسلم است و حتی قاجاق آن‌ها نیز براساس قاعده «إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَرَّمَ شَيْئًا حَرَّمَ ثَمَنَهُ» حرام است.

۴-۱-۲. حرمت زوال عقل

در قرآن کریم هر چیزی که موجب زوال عقل شود، حرام شمرده شده است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (بقره: ۲۱۹). همچنین با توجه به روایت ام سلمه که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است، از هر نوع مسکرو مفتري نهی شده است (شربینی، بی تا: ج ۴، ص ۳۰۶؛ بکری دمیاطی، بی تا: ج ۴، ص ۱۷۷؛ ملیباری

هندی، ۱۴۱۸: ج ۴، ص ۱۷۶). بنابراین، خوردن و توزیع مواد مخدر مانند حشیش، افیون و دیگر مسکرات حرام است (قرضاوی، بی تا: ص ۱۳۱). علاوه بر این، هر چیزی که عقل را زایل کند، همانند خمر، حرام محسوب می شود (قرضاوی، بی تا: ص ۷۶).

فقه‌های اهل سنت بر این باورند که هر ماده‌ای که عقل را فاسد کند، حرام است، چه به صورت مایعات مانند شراب باشد و چه به شکل جامد مانند حشیش و مواد افیونی (دردیر، بی تا: ج ۲، ص ۱۸۷). اکثریت فقه‌های اهل سنت (نووی، بی تا: ص ۳۸) نوشیدنی‌ها و داروهایی که موجب زوال عقل می شوند، همچون بنگ و حشیش، را همانند خمر، حرام می دانند (مظهری، ۱۴۳۳: ص ۴۵۳۹). وجوب حفظ نفس و حرمت سلب حیات خود و دیگران، در دو بعد مادی و معنوی دارای مستندات صریح و روشنی در قرآن (اسراء: ۳۲)، روایات، عقل و اجماع است (زحیلی، ۱۴۰۹: ص ۱۰۶؛ نجفی، ۱۴۰۰: ج ۵، ص ۱۱۴). این اصل به گونه‌ای است که بنیاد تمامی حقوق انسانی قلمداد شده و زنده نگه داشتن جان انسان، تکلیف و حق هر فرد تلقی می شود (سیوری، ۱۴۰۳: ص ۱۷۷-۱۷۹).

۳-۱-۴. قاعده لاضرر

عقلاً ضرر رساندن به خود و دیگران را، در صورتی که منفعت بزرگتری نداشته باشد - همچون اهدای خون یا موارد مشابه - کاری ناپسند و ناشایست می دانند. برخی از فقها (جعفری، ۱۴۱۹: ص ۶۲) برای اثبات حرمت اضرار به نفس، به آیه «وَلَا تُقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵) تمسک کرده اند و واژه تهلکه را به معنای هلاکت و قرار دادن خود در معرض نابودی تفسیر نموده اند. گروهی دیگر نیز به آیه «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (نساء: ۲۹)، که صریحاً حرمت قتل نفس را بیان می کند، استناد کرده و حکم به حرمت ضرر رساندن به نفس داده اند.

واژه «ضرر» در متون فقهی و عقلی چند معنا دارد: به معنای ضد نفع (طریحی، ۱۳۶۲: ج ۳، ص ۳۱۵)، به معنای نقص و خسران که ضد منفعت و زیان است (مصطفوی، ۱۴۱۷: ص ۲۴۴)، و همچنین به معنای ضرر رساندن به غیر یا به خود (بجنوردی، ۱۴۱۹: ص ۱۲۱۴). مستندات قاعده «لا ضرر» در قرآن کریم شامل این آیات است: «وَلَا تُمْسِكُوا هُنَّ ضُرَارًا لِّتَعْتَدُوا» (بقره: ۲۳۱)، «مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ» (نساء: ۱۲)، «وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ» (طلاق: ۶) و «لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ» (بقره: ۲۳۳). همچنین روایاتی در منابع روایی (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۷۶) و استدلال‌های عقلی، این قاعده را تأیید می‌کنند.

امام خمینی قاعده «لا ضرر» را روایتی صحیح و صادر از معصوم علیه السلام می‌داند. این روایت، هم در میان فقهای شیعه و هم نزد اهل سنت، از روایات مشهور به شمار می‌آید (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ص ۱۳۶). در تبیین مفاد این قاعده، دیدگاه‌های متعددی مطرح شده است؛ از جمله نظریه نفی حکم ضرری و دیدگاه آخوند خراسانی مبنی بر «نفی حکم به لسان نفی موضوع ضرری» (خراسانی، ۱۴۱۲: ق: ص ۴۳۲).

امام خمینی قاعده نفی ضرر را در شمار احکام سلطانیه و حکومتی قرار داده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ب: ص ۵۵). در همین زمینه، دیدگاه شریعت اصفهانی مبنی بر اشتغال قاعده بر نهی تکلیفی مطرح شده است (بجنوردی، ۱۴۰۲: ج ۱، ص ۱۸۰). همچنین، دیدگاه نفی ضرر غیرمتدارک از مرحوم نراقی نقل شده است (بجنوردی، ۱۴۰۲: ج ۱، ص ۱۸۰).

براساس این تفاسیر، قاعده نفی ضرر از باب نفی حکم ضرری تحلیل می‌شود و در نتیجه، حکم اباحه برداشته شده و آن فعل در شمار محرمات قرار می‌گیرد.

از میان فقهای امامیه، محقق خویی (خویی، ۱۴۱۰: ج ۲: ص ۳۴۷)، سید عبدالکریم اردبیلی (اردبیلی، ۱۴۲۷: ج ۲، ص ۵۶۵)، امام خمینی (موسوی خمینی، ۱۴۲۴: ج ۳، ص ۱۰۱۷) و مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، بی تا: ص ۲۱۵)، به دلیل اضرار به نفس، حکم به حرمت استعمال مواد مخدر داده اند.

در میان فقهای اهل سنت نیز ابن عابدین (ابن عابدین، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۷۱) و شنقیطی (شنقیطی، بی تا: ج ۹، ص ۳۸۰؛ زجا، ۱۴۱۸: ص ۲۵۳؛ بکری دمیاطی، بی تا: ج ۴، ص ۱۷۷) زیان های فراوانی برای موادی همچون حشیش برشمرده اند. گروهی دیگر معتقدند هر آنچه موجب زوال عقل شود، حرام است (نووی، بی تا: ص ۳۸؛ مظهری، ۱۴۳۳: ص ۴۵۳۹). برخی فقها نیز استعمال موادی را که باعث سستی، ضعف و آسیب رسانی به بدن می شود، حرام دانسته اند (ابن عابدین، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۲۶۴؛ دسوقی، بی تا: ج ۳، ص ۱۰۹). در مقابل، عده ای از فقهای اهل سنت دلیل حرمت را ایجاد بی غیرتی و بی مروتی دانسته اند (شریبینی، بی تا: ج ۴، ص ۳۰۶؛ قرضاوی، بی تا: ص ۷۶).

برخی از فقهای امامیه با تمسک به روایات، به اثبات حرمت اضرار به نفس پرداخته اند (حائری، ۱۴۱۸: ج ۱۳، ص ۴۳۷). در این باره باید توجه داشت که بیشتر فقها، حرمت مطلق ضرر رساندن به نفس را نمی پذیرند؛ بلکه اضرار زمانی حرام دانسته می شود که به فساد جدی در بدن یا به هلاکت انسان بینجامد. بدین معنا که ضرر باید قابل توجه و چشمگیر باشد. با این توضیح، تردیدی نیست که زیان های ناشی از مصرف مواد مخدر و روان گردان ها، قطعی و قابل ملاحظه و غیر قابل جبران است؛ از این رو، آیات و روایات دال بر حرمت اضرار به نفس، به روشنی شامل این موارد می شود و حرمت آن، تمام مصادیق آسیب رسانی به بدن را در بر می گیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ج ۳، ص ۱۷۳-۱۷۵).

فقه‌ها قاجاق مواد مخدر و تمام فرایندهای مرتبط با آن، از تولید تا مصرف، را در زمرهٔ تکسب‌ها و معاملاتی دانسته‌اند که به سبب اضرار آشکار بر افراد جامعه و زندگی آنان، مشروعیت ندارد. بر این اساس، با توجه به قاعدهٔ نفی حکم ضرری، حکم به اباحه در این زمینه منتفی و حکم به حرمت ثابت می‌گردد (بجنوردی، ۱۴۰۲: ج ۱، ص ۱۸۰). تولید، خرید و فروش مواد مخدر جز زیان برای جامعه هیچ سودی در پی ندارد. اگر این قاعده در قلمرو احکام حکومتی نیز لحاظ شود، با توجه به اینکه پیامدهای زیان بار مواد مخدر برای فرد و اجتماع و نیز تهدید امنیت اجتماعی آشکار است، حکم به حرمت آن از این جهت نیز قطعی خواهد بود. از همین رو، بیشتر فقهای متأخر، به دلیل اضرار، حکم به حرمت کسب درآمد، نگهداری، معامله، حمل و نقل و دیگر فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر داده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۱۱۰).

۴-۱-۴. قاعدهٔ حرمت مقدمهٔ حرام

فقه‌ها مقدمهٔ حرام را به عنوان یک قاعدهٔ کلی در باب احکام حرمت پذیرفته‌اند. مقدمه گاه سبب فعل حرام است و گاه شرط و زمینهٔ تحقق آن (بجنوردی، ۱۴۰۲: ص ۱۲۳). در موضوع تدخین، مصرف‌کننده در آغاز، قصد ارتکاب افعالی چون قتل، دزدی، ترک واجب شرعی، سوءاستفاده از نزدیکان یا مفاسد جنسی را ندارد؛ اما در شرایط کنونی، اعتیاد به مواد مخدر به تدریج موجب تخریب روح و جسم فرد می‌شود و از سوی دیگر، اموال او را نابود کرده و زمینهٔ ارتکاب اعمال حرام را فراهم می‌سازد. بنابراین، می‌توان حکم به حرمت داد؛ زیرا استعمال مواد مخدر از باب مقدمهٔ حرام، به منزلهٔ شرط تحقق افعال حرام است. از آنجا که مصرف‌کنندهٔ دخانیات نسبت به پیامدهای آن آگاهی دارد و سرانجام اعتیاد

را می‌داند و تجربه کرده است، این آگاهی به منزله قصد تلقی می‌شود و بر همین اساس، استعمال آن حرام خواهد بود (باصری، ۱۳۸۸: ص ۲۵۴). در نتیجه، با توجه به اینکه مصرف و اعتیاد به مواد مخدر و ایجاد هرج و مرج در جامعه حرام است، آماده‌سازی وسایل تدخین نیز به عنوان مقدمه حرام، مشمول حرمت خواهد بود.

۴-۱-۵. ممنوعیت خوردن مال دیگری به باطل

یکی از آیاتی که بر حرمت استعمال مواد مخدر دلالت دارد، آیه ۲۹ سوره نساء است که براساس آن، قتل نفس از نظر شرعی ممنوع و حرام شمرده شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا».

بر پایه این آیه، هرگونه تجاوز به حقوق دیگران، معاملات ربوی، غش و تقلب، معاملات مبهم و فاقد حدود روشن، خرید و فروش وسایل لهو و لعب و ابزار گناه، و همچنین دادوستدی که فاقد منفعت واقعی برای انسان باشد، از مصادیق اکل مال به باطل به شمار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۵، ص ۴۱). برخی مفسران و اندیشمندان اسلامی، با استناد به این آیه، هزینه کردن مال برای تهیه دخانیات را نیز از مصادیق اکل مال به باطل دانسته و آن را حرام شمرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ص ۳۳). به همین قیاس، کسب درآمد از راه تولید یا فروش دخانیات و مواد مخدر نیز در همین حکم قرار می‌گیرد. با این حال، فقهای که استعمال مواد مخدر را ذاتاً حرام نمی‌دانند، در شمول عنوان «باطل» بر چنین هزینه‌ها و درآمدهایی تردید کرده‌اند؛ زیرا صدق عنوان باطل در این موارد، منوط به اثبات حرمت استعمال دخانیات است. بدین سان، دلیل مزبور به تنهایی برای اثبات حرمت هزینه کردن در راه تهیه دخانیات کفایت نمی‌کند.

۴-۱-۶. استعمال سم و اضرار شخصی و اجتماعی

هرچند در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام گستردگی مواد مخدر به شکل کنونی وجود نداشت؛ اما روایات متعددی از ایشان در حرمت اضرار به نفس نقل شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۵، ص ۲۲۷). برخی فقهای معاصر، از جمله آیت الله خامنه‌ای، نیز به این نکته تصریح کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۱۱۱). ایشان با تأکید بر وسعت ضررهای ناشی از مواد مخدر، به‌ویژه آثار اجتماعی آن، حکم به حرمت استعمال این مواد را از باب اضرار شخصی و اجتماعی دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۱۱۱). از این رو، به نظر می‌رسد حرمت مواد مخدر امری روشن است؛ زیرا قاعده لا ضرر (بجنوردی، ۱۴۰۲: ج ۱، ص ۱۷۶)، با هر یک از تفاسیر و معانی که علما برای آن بیان کرده‌اند، به روشنی بر استعمال مواد مخدر قابل تطبیق است.

۴-۲. بررسی ادله سیاسی دال بر حرمت استعمال مواد مخدر

۴-۲-۱. تدخین و قاعده اعانت بر اثم و عدوان

ادله حرمت معاونت در گناه و حرام عبارت‌اند از: قرآن (وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ) (مائده: ۲)، اجماع فقها (بجنوردی، ۱۴۰۲: ج ۱، ص ۳۶۶)، عقل و روایات متعدد در موارد خاص (نراقی، ۱۴۱۸: ص ۲۶).

با توجه به این دلایل، تولید و قاچاق و مصرف مواد مخدر، به دلیل فقدان هرگونه سود و فایده و مضرات قطعی مصرف آن، مصداق بارز قاعده اعانت بر اثم است (سلیم، بی تا: ج ۲، ص ۳۸۳). با در نظر گرفتن معانی «اثم» و «عدوان»، قاچاق کالا، به‌ویژه در قالب فعالیت‌های سازمان‌یافته و جمعی، تعدی به حقوق جامعه و فرد محسوب می‌شود و

آثار منفی گسترده‌ای دارد؛ ازجمله: تضعیف اقتصاد کلان و سیستم اقتصادی، گسترش بیکاری، تضعیف ارکان سیاسی نظام. بنابراین، این اقدامات مصداق قطعی اثم و عدوان است و براساس آیه شریفه، حرام و جرم محسوب می‌شود.

۴-۲-۲. تدخین و حفظ نظام اسلامی

حکومت، مانند دیگر موضوعات دینی و اجتماعی، دارای احکام شرعی و قواعد فقهی است. در لسان فقه‌های اسلامی، این مفهوم با عنوان قاعده «وجوب حفظ نظام اسلام» شناخته می‌شود و یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی در فقه حکومتی به شمار می‌آید. براساس روایات معصومین علیهم‌السلام، حفظ نظام اسلامی به عنوان زمینه‌ساز تحقق شریعت مطرح شده و در نتیجه، وظیفه‌ای الهی و واجب بر تمام افراد جامعه است (رهبرپور، ۱۳۸۹: ص ۲۹۹). اختلال در نظام نیز از موضوعات مورد توجه فقه اسلامی محسوب می‌شود؛ زیرا مطابق دیدگاه اکثریت فقه‌ها، احکام تابع منافع و مضرات هستند. بنابراین، اگر حفظ نظام اسلامی برابر با مصلحت تلقی شود و هرگونه اختلال به آن زمینه‌ساز فساد و مفسده باشد، حفظ نظام واجب و ایجاد اختلال در آن حرام شرعی خواهد بود (رهبرپور، ۱۳۸۹: ص ۲۹۹).

امام خمینی حفظ نظام اسلامی را ضروری برای حفظ و اجرای احکام الهی دانسته و معتقد است که اجرای احکام الهی جز از طریق حکومت اسلامی ممکن نیست (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ الف: ج ۲، ص ۶۱۹). ایشان با تأکید بر اینکه نظام اسلامی از امانت‌های الهی است، حفظ آن را از اوجب واجبات شمرده و بر این باور است که تمام فعالیت‌های فردی و اجتماعی افراد باید تحت یک نظام عادلانه سامان یابند؛ زیرا در غیر این صورت، هرج و مرج و فساد اجتماعی رخ می‌دهد و نظام اسلامی از هم فرو می‌پاشد

(موسوی خمینی، ۱۳۸۸ ش: ص ۲۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۶، ص ۴۶۵). امام خمینی همچنین با تبیین رابطه میان رفتارهای فردی و تأثیر آن بر حفظ نظام اسلامی، هرگونه اقدام فردی که موجب تضعیف نظام اسلامی شود را حرام شرعی اعلام کرده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۶، ص ۴۶۵).

فهم تحلیل امام خمینی درباره رابطه تضعیف فرد با تضعیف سیاست و حکومت چندان دشوار نیست؛ زیرا یکی از مهم ترین مؤلفه های هر حکومت، وجود جامعه ای سالم و مشارکت مؤثر و مقتدرانه تک تک افراد در امور حکومتی است. از این رو، هر اقدامی که موجب تضعیف فرد و خانواده و به تبع آن ضعف جامعه شود، از آنجا که تضعیف نظام اسلامی را به دنبال دارد، حرام شرعی است و علاوه بر تضعیف حق الله و حق النفس، موجب تعدی و تضییع حق الناس نیز می شود.

۳-۲-۴. تدخین و اختلال نظام معیشتی

در این مفهوم، نظام به مجموعه اموری اطلاق می شود که زندگی عمومی مردم بر اساس آن ها سامان می یابد؛ به گونه ای که هرگونه نارسایی یا اختلال در این امور، نظم جامعه را دچار آسیب می کند. براساس قاعده حفظ نظام، انجام این امور از نظر شرعی واجب است. این دیدگاه مورد قبول عموم فقها است و حتی می توان ادعای اجماع در این مورد را مطرح کرد. مهم ترین دلیلی که می تواند این حکم را اثبات کند، دلیل عقلی است. براساس این دلیل، عقل عملی به صورت مستقل حکم می کند که اختلال در نظام زندگی عمومی امری قبیح است. با ضمیمه کردن قانون ملازمه بین حکم عقل و شرع، می توان نتیجه گرفت که این عمل از نظر شرعی حرام است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ص ۴۵).

ممکن است کسی ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع را نپذیرد؛ در این صورت، می توان بنای عقلا را به عنوان دلیل دوم اقامه کرد. دلیل بنای عقلا به این معناست که عقلا کارهایی را که به زندگی جمعی و معیشت عمومی آسیب وارد می کند جایز نمی دانند. از آنجا که شارع این بنا را دیده و رد نکرده است، سکوت شارع به معنای رضایت و امضای آن است. برخی از فقهای اهل سنت (قلی زاده، ۱۳۹۳: ص ۸۱) مصرف مواد مخدر از قبیل حشیش، بنگ و افیون را به دلیل مفسادی که برای فرد و جامعه دارد و اختلال در نظم عمومی جامعه ایجاد می کند، حرام می دانند. براساس دیدگاه آنان، مصلحت مسلمانان در منع شیوع این مواد افیونی است و حکم به حرمت آن ها، برای جلوگیری از مفساد آن صادر شده است. بنابراین، هر امری که باعث اختلال در زندگی عمومی شود، مانند استعمال و معامله مواد مخدر، مردود و حرام است.

۴-۲-۴. تدخین و قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل یکی از قواعد فقهی بنیادین است که علاوه بر پشتوانه قرآنی و روایی قوی، فقهای نیز بر آن اجماع کرده اند و براساس آن، احکام فقهی متعددی استنباط شده است (بجنوردی، ۱۴۰۲: ص ۱۸۷). براساس این قاعده، هر عملی که موجب شود غیرمسلمانان بر مسلمانان تسلط پیدا کنند، حرام شرعی است. گاهی دشمنان اسلام، با اهداف سیاسی دست به قاچاق مواد مخدر می زنند؛ حتی در صورت فقدان چنین اهدافی، استعمال مواد مخدر باعث می شود فرد معتاد، انگیزه ای برای حفاظت از دین و کشور نداشته باشد و در نتیجه، دشمنان می توانند بر مسلمانان چیره شوند. دشمنان با بهره گیری از راه های سیاسی و نظامی، تهاجم فرهنگی، تبلیغات سوء اسلام هراسی و توسعه مواد مخدر، سعی

در ضربه زدن به کشورهای مسلمان یا کشورهایی که منافع آن‌ها را تهدید می‌کند دارند. از این رو، حکومت اسلامی و مردم موظف‌اند با پدیده مواد مخدر مبارزه کنند تا این مسئله از سرزمین کشورهای مسلمان ریشه‌کن شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ج ۲، ص ۲۴۲).

دشمنان حشیش و دیگر مواد مخدر را به منظور تضعیف جوانان مسلمان و از بین بردن شجاعت، جوانمردی و ثروت آنان رواج می‌دهند. این امر سبب عقب ماندگی کشورهای مسلمان، فساد عقل جوانان و غلبه بیگانگان بر آنان خواهد شد (جزیری، بی تا: ص ۵۸). در شرایط کنونی، با توجه به عداوت دشمنان اسلام نسبت به کشورمان و آمار اعتیاد به مواد مخدر نوظهور، موضوع قاعده نفی سبیل قطعی است. اگرچه نمی‌توان به طور قطعی گفت که در تمام معاملات، تسلط دشمنان بر مسلمانان وجود دارد؛ اما بدون شک، این معاملات زمینه را برای سلطه کفار فراهم می‌کنند و همین میزان برای صدق موضوع قاعده کافی است.

امام خمینی در توضیح مفاد و مصادیق قاعده می‌نویسد:

ممکن است بگویم قاعده نفی سبیل وجه سیاسی دارد و در مقام توجه دادن مسلمانان به این امر مهم که لازم است از سلطه کافران به هر وسیله ممکن خارج شوند؛ زیرا تسلط آنان امر محتوم و تقدیر الهی نیست تا تسلیم به آن لازم باشد، بلکه رضایت دادن به این سلطه، ذلت ظلم است و خداوند از این بری است (موسوی خمینی، ۱۳۶۰: ص ۱۲۸).

از مجموع آنچه بیان شد، روشن می‌شود که هر عملی که موجب تضعیف نظام اسلامی و فراهم کردن زمینه سلطه غیرمسلمانان شود، صرف نظر از اینکه توسط فرد یا جامعه‌ای انجام گیرد، از نظر شرع حرام است و مصداق ضربه به سیاست دینی محسوب می‌شود.

۴-۲-۵. تدخین و وجوب محافظت از نظام در برابر تعرض کفار و متعرضین

وقتی دیدگاه‌های فقها بررسی می‌شود، به‌طور مستقیم به رابطه میان حفظ سلامت فردی و نگهداری نظام اسلامی اشاره‌ای نشده است، که می‌توان علت آن را عدم تحقق کامل نظام اسلامی از زمان معصومین علیهم‌السلام تاکنون دانست. با این حال، براساس دیدگاه آنان در زمینه‌های حکومت اسلامی، می‌توان رابطه میان فرد و حکومت را استنباط کرد. از این رو، در ادامه به دیدگاه بزرگان اسلامی درباره احکام حفظ نظام اسلامی پرداخته شده و در نهایت ارتباط میان احکام فردی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شیخ طوسی به ضرورت حفظ اسلام و دفاع از آن در برابر هرگونه تعرض اشاره کرده و در جایی که اصل اسلام به خطر بیفتد، بدون هیچ قید و شرطی، حفظ اسلام را واجب شرعی دانسته است (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۸). مرحوم کاشف الغطا مهم‌ترین مصداق حفظ نظام اسلامی را، جهاد در برابر متعرضان می‌داند و بر این باور است که مقابله با کفاری که قصد نابودی اسلام و احکام آن را دارند، بر همه افراد جامعه واجب و لازم است (کاشف الغطا، ۱۳۸۳: ج ۳، ص ۲۸۸). میرزای نائینی که نیابت فقها از امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف را حداقل از امور حسبیه می‌داند، حفظ و صیانت از اسلام و حکومت اسلامی را از واجباتی برشمرده که بر هر فرد واجب است (نائینی، ۱۳۳۵: ج ۲، ص ۱۳۵). اگرچه فقهای اسلامی به رابطه میان تکالیف فردی و سیاسی صراحتاً اشاره نکرده‌اند؛ اما از مجموع آنچه درباره حفظ نظام اسلامی و احکام مرتبط با آن بیان شده، مشخص می‌شود که حفظ نظام و دفاع از آن در برابر تعرض بیگانگان و کفار، وظیفه‌ای بر دوش هر فرد جامعه است و عمل به این وظیفه مشروط به سلامت روحی، جسمی، عقلی و اجتماعی افراد است.

با این وجود، اعتیاد و قاچاق و تولید مواد مخدر که سلامت افراد را از جهات مختلف به خطر می‌اندازد و توان دفاع از نظام اسلامی را از آنان سلب می‌کند، نمونه‌ای از تضعیف نظام از طریق مواد مخدر است و مصداق محرمات شرعی به شمار می‌رود.

۴-۲-۶. تدخین و افساد فی الارض

هر عملی که سلامت اخلاقی، اقتصادی و امنیتی جامعه را برهم زند، موجب تباهی نظام اسلامی شود، یا آن را مورد تهدید قرار دهد، یا باعث ضرری شود که افراد جامعه را دچار اختلال نماید، افساد نامیده می‌شود (حکیم، ۱۳۸۲: ص ۱۲۷). قاچاق و استعمال مواد مخدر نیز موجب ابتلای افراد و سپس گسترش فساد می‌شود که نتیجه آن تباهی جامعه و نظام اسلامی خواهد بود. از این رو، این اقتصاد عمومی و گسترده از مصادیق افساد فی الارض به شمار می‌رود و فقهای معاصر در کلام خود به این نوع فساد اشاره کرده‌اند (موسوی خمینی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۳۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ج ۲، ص ۴۹۹).

۵. نتیجه‌گیری

پدیده مواد مخدر ساختارهای خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع را تحت تأثیر مخرب خود قرار می‌دهد و نهاد خانواده، بنیان اجتماع را به کام خود می‌برد. مطابق دیدگاه فقها، استعمال مواد مخدر حرام است و قطعاً خرید و فروش آن نیز حرام است؛ زیرا فروش آن به مسلمانان موجب رواج گناه، فساد اخلاقی، انحطاط جامعه و آسیب رساندن به سلامت اجتماع مسلمین می‌شود. تدخین از مصادیق خبائث است و از دیدگاه فقه اجتماعی، استعمال و خرید و فروش آن نه تنها نتیجه معقول و مشروعی برای فرد و اجتماع ندارد، بلکه مفسد و زیان‌های فراوانی در پی دارد. از دیدگاه فقه سیاسی،

استعمال و معامله مواد مخدر ممکن است موجب کمک به دشمنان، ضرر برای افراد و جامعه، افساد فی الارض و تسلط دشمنان گردد.

وجوه افتراق فقه اجتماعی و فقه سیاسی در این است که در رویکرد فقه اجتماعی، ادله حرمت تدخین شامل این موارد است: پرهیز از اعمال ناپسند، حرمت زوال عقل، قاعده لاضرر، قاعده حرمت مقدمه حرام و ممنوعیت خوردن مال دیگری به باطل. در رویکرد فقه سیاسی، بررسی ادله حرمت استعمال مواد مخدر و تدخین بر پایه این امور صورت می گیرد: اعانت بر اثم و عدوان، حفظ نظام اسلامی، اختلال نظام معیشتی، نفی سبیل و وجوب محافظت از نظام در برابر تعرض کفار و متعرضان.

وجوه اشتراک فقه اجتماعی و فقه سیاسی در مسئله اضرار و فساد است؛ آسیبی که برای فرد، خانواده، اجتماع و حکومت اسلامی خطر دارد و مشکل ساز خواهد بود.

پی نوشت ها

۱. هروئین پودر کریستالی سفیدرنگی است با طعم تلخ و از مشتقات تریاک که با عمل تقطیر مستقیماً از مرفین استخراج می شود.
۲. ال. اس. دی. مخفف یک اصطلاح آلمانی است؛ به معنای مواد توهم زا و به صورت گرد سفیدرنگ یا قرص روشن و بدون رنگ و مزه و بو یافت می شود.

منابع

قرآن کریم

ابن براج، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق)، المذهب، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن جبرین، عبدالله بن عبد الرحمن (بی تا)، فتاوی الشیخ ابن جبرین بن عبدالله، نرم افزار مكتبة الشاملة.
ابن عابدين، محمد امين بن عمر (۱۴۱۲ق)، رد المحتار على الدر المختار، بيروت: دارالفكر.
ابن قدامة، عبد الرحمن بن محمد (بی تا)، الشرح الكبير على متن المقنع، بيروت: دارالكتاب العربي
للتنشر والتوزيع.

ابن قدامة، عبدالله بن احمد (۱۴۰۵)، المغني في فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيباني، بيروت: دارالفكر.
ابوالصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳ق)، الكافي في الفقه، اصفهان: كتابخانه عمومی امام
اميرالمؤمنين عليه السلام.

ابو داود ازدي سجستاني، سليمان بن اشعث (بی تا)، سنن ابي داود، بی جا: دارالرسالة العالمية.
احمدوند، محمد علی (۱۳۷۸)، اعتیاد، سبب شناسی و درمان آن در رشته روانشناسی، تهران: نشر
دانشگاه پیام نور.

اردبیلی، سید عبد الکریم (۱۴۲۷)، فقه حدود و تعزیرات، قم: مؤسسه نشر جامعه مفید.
اسلامی، رضا؛ قاسمی، ابراهیم (۱۴۰۰)، «مطالعة تطبیقی تدخین در فقه امامیه و اباضیه: بررسی دیدگاه
آیت الله مکارم شیرازی و علامه احمد بن حمد خلیلی»، مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، ش ۱،
ص ۱۲۵-۱۴۶.

اصفهانى (فاضل هندی)، بهاء الدین محمد بن الحسن بن محمد (۱۴۰۵ق)، كشف اللثام، قم:
منشورات مكتبة السيد المرعشي النجفي.

باصري، علی اکبر (۱۳۸۸)، مواد مخدر در منابع فقهی و فتاوی مراجع تقلید، تهران: نشر خرسندی.
باعلوی، عبد الرحمن بن محمد (بی تا)، بغية المسترشدين، بيروت: دارالفكر.

الباني، محمد ناصر الدین (بی تا)، فوائد في المعاني من كتب الباني، نرم افزار مكتبة الشاملة.
بجنوردی، سید میرزا حسن (۱۴۰۲)، القواعد الفقهية، چاپ دوم، قم: مطبعة الخيام.

بستاني، فؤاد افرام (۱۳۷۵ش)، فرهنگ ابجدی، مترجم: رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی.
بکری الدمیاطی، سید محمد (بی تا)، إعانة الطالبین، بيروت: دارالفكر.

جزیری، سید محمد (بی تا)، الفقه علی المذاهب الأربعة ومذهب اهل البيت عليه السلام، بیروت: منشورات دارالثقلین.

جعفری، محمد تقی (۱۴۱۹)، رسائل فقهی، تهران: مؤسسه منشورات کرامت.

حائری، سید علی بن محمد طباطبائی (۱۴۱۸)، ریاض المسائل، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.

حسینی مراغی، سید میر عبد الفتاح (۱۴۱۷ق)، العناوین الفقهیة، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسین.

حکیم، محمد باقر (۱۳۸۲)، «فقه اهل بیت عليه السلام»، فقه اهل بیت عليه السلام، ش ۳۳.

حلی، ابن ادريس (۱۳۸۷ق)، السرائر، چاپ اول، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

خامنه ای، سید علی (۱۳۸۷)، أجوبة الاستفتاءات، چاپ دوم، بیروت: دارالوسيلة.

خراسانی، محمد کاظم (۱۴۱۲ق)، کفاية الأصول، قم: مؤسسه نشر الاسلامی.

خرشی، محمد بن عبدالله (بی تا)، شرح مختصر خلیل، نرم افزار مكتبة الشاملة.

خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، التنقیح، تقریرات میرزا علی غروی تبریزی، چاپ دوم، قم: دارالهادی.

دسوقی، محمد بن احمد (بی تا)، حاشیة الدسوقي علی الشرح الكبير، بی جا: دارالفکر.

روح اللهی، روح الله (۱۳۸۵)، «مواد مخدر و دخانیات از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی»، مطالعات تقریبی

مذاهب اسلامی، ش ۶، ص ۲۸-۴۳.

رهبرپور، محمد رضا (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات بزرگداشت دکتر ابوالقاسم گرّجی، تهران: نشر انجمن آثار

و مفاخر فرهنگی ایران.

زجا، ابواسحاق (۱۴۰۸ق)، معانی القرآن و اعرابه، عبد الجلیل عبده شلبی، بیروت: عالم الكتب.

زحیلی، وهبه (۱۴۰۹ق)، الفقه الإسلامی وأدلته، دمشق: دارالفکر.

سحیم، عبد الرحمن (بی تا)، الفتاوی العامة، بیروت: دارالکتب العلمیة.

سلیم، عبد المجید (بی تا)، فقه السنة، نرم افزار مكتبة الشاملة.

سیوری، المقداد (۱۴۰۳ق)، *نضد القواعد الفقهیه، تحقیق عبداللطیف کوهکمری*، قم: مکتبه السید المرعشی. شحود، علی بن نایف (بی تا)، *المفصل فی شرح حدیث من بدل دینه فاقتلوه*، نرم افزار مکتبه الشامله. شریینی، محمد الخطیب، (بی تا)، *مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج*، بیروت: دارالفکر. شنقیطی، محمد بن محمد المختار (بی تا)، *شرح زاد المستقنع*، نرم افزار مکتبه الشامله. شهبازی، عباس (۱۳۸۰)، *کالبدشکافی اعتیاد، اطلاعات ارزشمند جامعه شناسی و حقوقی*، تهران: نشر پیام عدالت.

شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق)، *اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية*، بیروت: دارالتراث-الدار الإسلامية. شیخ طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۷)، *المبسوط*، چاپ سوم، تهران: المکتبه المرتضویه. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

صنعانی، محمد بن اسماعیل الأمير (۱۳۷۹ق)، *سبل السلام*، ریاض: مکتبه نزار. طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۷۲) *الاحتجاج*، مشهد: نشر مرتضی. طریحی، شیخ فخرالدین (۱۳۶۲ش)، *مجمع البحرين*، چاپ دوم، تهران: المکتبه المرتضوی. عثیمین، محمد بن صالح بن محمد، (بی تا)، *شرح ریاض الصالحین*، نرم افزار مکتبه الشامله. عظیم آبادی، محمد شمس الحق (بی تا)، *عون المعبود شرح سنن أبي داود*، نرم افزار مکتبه الشامله. فوزان، صالح بن فوزان (۱۴۲۳ق)، *الملخص الفقهي، الرياض: دارالعاصمة*. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۲۹ق)، *رسائل فیض کاشانی*، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری. قرضاوی، یوسف (بی تا)، *الحلال والحرام في الإسلام*، نرم افزار مکتبه الشامله. قلی زاده، بهنام (۱۳۹۳)، «نقش رسانه ها در پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر»، *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد*، ش ۴، ص ۷۰-۱۰۰.

کاشف الغطاء، جعفر (۱۳۸۳)، *کشف الغطاء*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. کشمیری، سید محمد باقر رضوی (۱۴۱۸ق)، *الروضة الغناء في عدم جواز استماع الغناء*، قم: نشر مرصاد.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- گلپایگانی، محمدرضا (بی تا)، فقه گلپایگانی، تقریرات محمدهادی مقدس، قم: دارالقرآن الکریم.
- مصطفوی، حسن (۱۴۱۷ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مُظْهَری، مظهِرالدین (۱۴۳۳ق)، المفاتیح فی شرح المصابیح، کویت: دارالنوادر، إدارة الثقافة الإسلامية - وزارة الأوقاف الكويتية.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ق)، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، دائرة المعارف فقه مقارن، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، استفتائات جدید، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ملیباری الهندی (۱۴۱۸ق)، فتح المعین، بیروت: دارالفکر.
- منسوب به امام رضا علیه السلام (۱۴۰۶ق)، الفقه - فقه الرضا، مشهد: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۶۰)، کشف الأسرار، تهران: نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۲ق)، استفتائات (امام خمینی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۴ق)، توضیح المسائل (محشّی - امام خمینی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۸ش)، صحیفه امام خمینی، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۸ش)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۵الف)، البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۵ب)، الرسائل، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مهربان رودینه، احمد (۱۳۸۸)، مواد مخدر از دیدگاه فقه امامیه، تهران: انتشارات بلور.

- نائینی، محمدحسین، (۱۳۳۵) تنبیه الامه و تنزیه الامله، مقدمه سید محمود طالقانی، نجفی، محمدحسن (۱۴۰۰)، جواهر الکلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نجمی، احمد بن یحیی (بی تا)، تأسیس الأحکام، نرم افزار مکتبه الشامله.
- نراقی، احمد (۱۴۱۸)، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- نمازی اصفهانی شیخ الشریعه، فتح الله بن محمد جواد، (۱۴۱۰ق)، إفاضة القدير فی أحكام العصور، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- نووی، ابو زکریا محیی الدین یحیی (بی تا)، المجموع شرح المذهب، نرم افزار مکتبه الشامله.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲)، فقه اهل بیت علیهم السلام، انتشارات قم، سال نهم، ش ۳۵.
- هیتمی، ابن حجر (۱۳۵۷)، الفتاوی الکبری الفقهیه، بیروت: دارالفکر.